

ابریشم‌های درباری (پارچه‌های ابریشم صفوی در مجموعه‌های ژاپنی)^۱

کاتسوهیکو آبه^۲

ترجمه: محمد چگینی^۳

چکیده

وجود آثار تاریخی مربوط به دوره صفویه در موزه‌ها و مجموعه‌های اشراف ژاپنی حکایت از برقراری رابطه غیرمستقیم بین دو کشور ایران و ژاپن در قرن هفدهم میلادی دارد. هدف مقاله حاضر، بررسی مصداقی برخی منسوجات، پارچه‌های ابریشمی و فرش‌های به‌جا مانده از دوره صفوی در ژاپن است. چگونگی راه یافتن این آثار به دربار سلطنتی، خاندان‌های اشرافی، بازار شهر ادو و دیگر نقاط ژاپن از دیگر اهداف تحقیق است. شناخت اقشار مصرف کننده این نوع منسوجات می‌تواند به شناخت بهتر تاریخ اجتماعی ژاپن در دوره حکومت خاندان توکوگاوا کمک نماید. اسناد و شواهد نشان می‌دهد که بیشتر این آثار توسط شرکت هند شرقی هلند یا بازرگانان دیگر کشورها به دربار خاندان سلطنتی و خانه اشراف راه یافته و در مراسم اعیانی مانند جشن چای مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق، مواد به کار رفته در منسوجات و نوع طرح و رنگ ابریشم مورد استفاده در آن با دیگر آثار به‌جا مانده در موزه لوور و اماکن مقدس نجف مقایسه می‌شود. نویسنده با تمرکز بر چند نمونه به دنبال یافتن پاسخ عینی برای سؤال‌های مطرح‌شده در پژوهش حاضر است.

واژگان کلیدی:

صفویه، مجموعه‌های ژاپنی، ابریشم‌های درباری، پارچه.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

^۱ این مقاله در نشست بزرگداشت روابط ایران و ژاپن که در مرداد ماه ۱۳۹۴ در سفارت ایران در توکیو برگزار شد، ارائه گردید. همچنین در کتاب زیر در ژاپن منتشر شده است:

Nobuaki Kondo, edit. Mapping Safavid Iran, Studia Culturae Islamicae No. 105, Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo University of Foreign Studies, 2015, pp. 223-241.

^۲ استاد دانشگاه کانزاوا ژاپن Abekats@hotmail.com

^۳ کارشناس پژوهش اسناد وزارت امور خارجه mohammad.chegini58@gmail.com

مقدمه

امروزه این واقعیت روشن شده است که در طول قرن هفدهم میلادی، ابریشم به‌عنوان یک کالای ارزشمند، نقش کلیدی در تجارت هلندی‌ها با اقصی نقاط آسیا داشت. متون و اسناد به‌جا مانده این نکته را تأیید می‌کند که ابریشم خام و پارچه‌های بافته شده از آن، یکی از اجناس مرغوبی بود که شرکت هند شرقی هلند، برای تجارت به ژاپن حمل می‌کرد. هر چند در سوابق شرکت مزبور، نام چین در صدر فهرست کشورهای صادرکنندگان ابریشم به ژاپن ثبت شده بود، اما در کنار آن از ایران، ویتنام و بنگال نیز به‌عنوان دیگر شرکای تجاری این کالا یاد شده است. بر اساس گزارش‌های موجود، شرکت در قرن نوزدهم میلادی، علاوه بر پارچه‌های ابریشم، دیگر مال‌التجاره‌ها مانند منسوجات پشمی و پنبه‌ای را نیز در بازارهای شهر ادو و دیگر نقاط ژاپن به فروش می‌رساند.

در حال حاضر در موزه‌های مختلف ژاپن، مجموعه‌های متنوعی از منسوجات ابریشمی نگهداری می‌شود که با نخ‌های طلایی و نقره‌ای حاشیه‌دوزی شده‌اند. اصالت این محصولات که در قرن ۱۷ تا ۱۹ میلادی تولید شده‌اند، به ایران و هند نسبت داده شده و در حال حاضر در بروشورهای مجموعه منسوجات معروف به "مورو" به ثبت رسیده است. اگر چه اطلاعات دقیقی در باره این منسوجات در منابع تاریخی از جمله سوابق شرکت هند شرقی هلند موجود است، اما برای شناسایی موضوع موردنظر کافی نیست و جهت شناخت هویت اصلی آن‌ها کمکی به ما نمی‌کند. بنابراین ضرورت دارد که ابتدا مسئله انتساب، قدمت و منشأ این آثار روشن شود.

پارچه‌های موجود در ژاپن، نه‌تنها یک مجموعه مهم تاریخی، بلکه منابعی هستند که می‌توانند اطلاعات مناسبی از نحوه ورود و نگهداری این کالاها به شهر ادو در فاصله سال‌های ۱۶۰۳ تا ۱۸۶۷م. در اختیار ما قرار دهند. این داده‌ها، همچنین می‌تواند برای شناسایی ابریشم و منسوجات تولید ایران و دیگر موارد مشابه در آن برهه زمانی مفید واقع گردد. از طرف دیگر، به‌واسطه آن‌ها می‌توان نحوه رواج پارچه ابریشمی با کیفیت در بازارهای تجاری ژاپن را بررسی کرد.

مقاله حاضر بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد: در میان منسوجات و پارچه‌های رنگارنگ خارجی با دسته‌بندی متنوع در آلبوم‌های گردآوری شده در طول چند قرن، کدام‌یک کیفیت مطلوبی داشته و موردعلاقه مصرف‌کنندگان ژاپنی بوده است؟ آیا با این روش می‌توان به سرخ‌هایی در باره نوع بافت اجتماعی و اولویت‌های مورد نیاز طبقات مختلف در شهر ادو پی

برد؟ به‌علاوه آیا آثار به‌جا مانده از عصر صفوی در شناخت و معرفی نوع خاصی از بافندگی ایرانیان آن دوره مؤثر است یا خیر؟

به‌منظور پاسخ مناسب به سؤالات مزبور، این مقاله روی چندین مصداق و مثال تاریخی از پارچه‌های ابریشمی تمرکز خواهد داشت که می‌توانند به‌عنوان منبع تاریخی، اصل و نسب و مشخصات فنی استفاده شده در ساخت و طراحی منسوجات را روشن نماید و سرانجام نیز در باره زمینه‌ها و چگونگی رواج تجارت پارچه‌های ابریشمی تجملی و با ارزش در اقیانوس هند از طریق تجار اروپایی با حکام سنتی آسیایی بحث خواهد شد.

پیشینه تاریخی

منسوجات و قماش ابریشمی منصوب به دوره صفوی، در اواخر قرن ۱۶ میلادی وارد ژاپن شده‌اند. در ابتدا به یک نمونه از شنل‌های بدون آستین ژاپنی معروف به "هیدیوشی جین بائوری" می‌پردازم. این نمونه مزین به نقش‌ونگارهای ایران عصر صفوی است و آن را به‌عنوان پوشش روی زره نظامی استفاده می‌کردند (Yoshida, 2009: 1-16). هیده یوشی از قدرتمندترین جنگجویان و افسران عالی‌رتبه ژاپن بود که بعد از سال‌ها جنگ با رقبای موفق شد در سال ۱۵۹۲م. ژاپن را متحد کند و بعد از یک دوره حکمرانی طولانی در سال ۱۵۹۸م. درگذشت. امروزه چندین نمونه از این لباس‌های پرنقش‌ونگار متعلق به قرن ۱۶ میلادی و مرتبط با نوع پارچه ذکر شده در مجموعه‌های گوناگون غربی نگهداری می‌شوند. این احتمال وجود دارد که لباس معروف "جین بائوری" با طرح و نقش ایرانی را تجار و مقامات نظامی پرتغال یا اسپانیا به فرمانده هیده یوشی هدیه داده باشند. در آغاز قرن ۱۷ میلادی مقارن با استقرار حکومت شوگون‌ها، منسوجات با کیفیت از جمله تولیدات ایرانی و هندی نقش مهمی در حفظ و ارتقای روابط دوستانه اروپاییان به‌ویژه هلندی‌ها با حکام ژاپن داشت. برای دایموها (فئودال‌های نظامی) از این قبیل هدایا زیاد ارسال شده است، حتی تجار و ثروتمندان نیز به این ترتیب صاحب بزرگترین مجموعه‌های این نوع پارچه‌های ابریشمی شدند.

هیرادو اولین بندر ژاپنی بود که در اوایل قرن ۱۷ میلادی به روی اروپاییان گشوده شد. اتباع پرتغال و اسپانیا در اواخر قرن ۱۶ میلادی در این بندر اسکان داشتند. بعد از آن‌ها از سال ۱۶۰۹ تا ۱۶۴۱م. هلندی‌ها در آنجا مستقر شدند. با وجود این، بعد از استقرار حکومت توکوگاوا

و ایجاد محدودیت برای اروپاییان، شوگون در سال ۱۶۳۹م. شرکت هند شرقی هلند را وادار کرد تا علاوه بر تخریب ساختمان جدیدی که برای انبار کالاها بنا کرده بود، دفتر کار خود را نیز از هیرادو به ناگاساکی منتقل نماید. بریتانیا نیز در سال ۱۶۱۳م. یک کارخانه در این بندر احداث کرد و تا سال ۱۶۲۳م. یعنی زمانی که مجبور به ترک بازارهای ژاپن شدند، همچنان فعال ماند. در طول دوره ادو یعنی از سال ۱۶۴۱ تا ۱۸۶۷م. تنها تجار چینی و هلندی موقعیت بازرگانی خود را در ژاپن حفظ کردند، هلندی‌ها مجاز به فعالیت در ناگاساکی و یک جزیره کوچک به نام دجیما بودند.

ارتباط منابع تاریخی با موضوع

بر اساس اطلاعات ثبت شده در اسناد، منابع، یادداشت‌های روزانه، مجلات، گزارش‌ها و دفاتر به‌جا مانده از کارخانه هلندی‌ها در هیرادو و ناگاساکی، شرکت هند شرقی هلند به‌طور منظم منسوجات گوناگون ایرانی را خریداری و به صورت هدایای سالانه به شوگون و دیگر شخصیت‌های عالی‌رتبه حکومت توگوگاوا (۱۸۶۷-۱۶۰۳م.) اهداء می‌کرد. طبق یادداشت‌های روزانه یکی از مدیران ارشد اجرایی به نام نیکلاس کوک بیکر در ماه مارس ۱۶۳۴، هلندی‌ها به شوگان ائی میتسو دو فرش یا قالیچه ایرانی هدیه دادند که در صدر فهرست کالاهای هدایی ذکر شده است. در حاشیه یکی از آن‌ها، پارچه ابریشمی زربافت با گل برجسته طلایی و نقره‌ای نقش بسته و دیگری یک طرح بدون طلاکوب با مضمون شکار گوزن به تصویر کشیده شده است. نمونه بعدی مجموعه‌ای شامل چند لباس ایرانی از جمله یک ردا با بن‌مایه گل‌های طلایی و نقره‌ای، کمر بند با رنگ‌های متنوع و عمامه‌ای با نوارهای راه‌راه رنگی می‌شود. متأسفانه در حال حاضر، امکان شناسایی هویت این ردهای ویژه را نداریم، اما به‌راحتی می‌توان منشأ ایرانی آن‌ها را تشخیص داد و با اطمینان گفت که این پوشاک از ابریشم مرغوب ایرانی بافته شده است. هم‌اکنون کمر بند ذکر شده در موزه توکوگاوا در ناگویا نگهداری می‌شود و یکی از چندین کمر بندهای هدایی هلندی‌ها به شوگون است.

از دیگر منابع قابل استناد، گزارش‌های ثبت شده و دفاتر حساب (مجلات تجاری) کارخانه شرکت هلندی در هیرادو است. در این گزارش‌ها، اطلاعات نزدیک به شش سال (۱۶۳۵ تا ۱۶۴۱م.) ثبت شده است و انواع کالاهای وارد شده ایرانی از جمله ابریشم خام، زین اسب، فرش، ردا، منسوجات نقره و طلاکوب، پوست گوسفند، اسب و گلاب در این فهرست به چشم

می‌خورد. نکته جالب و قابل توجه این است که در میان هدایا و دیگر اقسام وارداتی تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۶۳۵ دو قطعه ابریشم زربافت ایرانی وجود دارد که در فهرست هدایای لرد آکیرا ماتسورا فرماندار هیرادو ثبت شده است.

دو نمونه وارداتی که به صورت استوانه‌ای بسته‌بندی شده‌اند، به‌عنوان میراث یک خانواده اشرافی قدیمی به نام کونو که از نزدیکان امپراتور بود، ثبت شده است و در حال حاضر در کیوتو نگهداری می‌شود. (تصویر شماره ۱) با توجه به اینکه آثار فوق در زمره مجموعه گنج‌های خانوادگی قرار دارند، در حال حاضر شرایط نگهداری‌شان مناسب است (اندازه عرض کامل یکی از آن‌ها ۷۳ سانتیمتر و دیگری ۷۳/۸ است) و هنوز بعد از سال‌ها در یک حلقه لوله‌ای (با طول ناشناخته) قرار دارند. بدون تردید موارد اشاره شده، با رنگ روشن و نخ‌های طلایی و نقره‌ای نمونه مهم و منحصر به فرد تاریخی است که نه تنها کهنه نشده، بلکه کیفیت خود را از دست نداده است. (تصویر شماره ۲).

از دیگر آثار به‌جا مانده، چای‌دان یا ظروف کوچک برای درست کردن چای به همراه دو کیف است که یکی از آن‌ها به لرد ماتسورا، آخرین ارباب یا زمین‌دار بزرگ ایالت هیرادو (۱۸۴۰ تا ۱۹۰۶ م.) تعلق دارد. او همچنین ارباب چای یا رئیس مراسم و ضیافت چای نیز بود. اگر چه ظروف چای در زمان زمامداری وی ساخته شده، اما به نظر می‌رسد یکی از کیف‌ها قدمت بیشتری دارد و می‌توان شباهت‌های آن را با ابریشم تولید چین مقایسه کرد. سبک و ویژگی‌های این نوع پارچه‌ها با منسوجات مختلف عصر صفوی مربوط به اواخر قرن شانزدهم و اوایل هفدهم میلادی مطابقت دارد و بافت آن‌ها نشان می‌دهد که تشابه زیادی به هم دارند. این نوع از پارچه‌ها به صورت دو لایه با موادی از ابریشم و نخ‌های طلایی بافته شده‌اند. هر چند کیف‌ها کم‌رنگ شده‌اند، اما هنوز ظرافت‌شان قابل رؤیت است. کیف در مقیاس کوچک یعنی حدود ۱۰ سانتیمتر طراحی شده است. در این سبک، ترکیب و مضمون حول محور طرح در مرکز است و به صورت شاخه گل‌بوته کوچک با ساقه و برگ‌هایی است که گل‌ها و شکوفه‌ها از مرکز به اطراف در حال حرکت و نمو هستند. مضامین این طرح، شبیه تصاویر هنری است که با تزئین ایرانی، به‌عنوان سوغات یا هدیه برای پاپ ارسال می‌شد. برخی از این هدایا که در ابعاد واقعی آن چاپ شده‌اند، در حدود ۸/۷ در ۱۵ سانتیمتر است. تصاویر کوچک روی هر دو گلدان با ساقه‌های متعدد و موازی و شکوفه‌های متقارن پراکنده شده‌اند.

با وجود این نشانه‌ها، ما هنوز قادر نیستیم با قاطعیت ویژگی‌ها و مشخصات منسوجات متعلق به اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی را به‌خوبی تشخیص دهیم. بنابراین جهت روشن شدن تفاوت بین آن‌ها، یک ردای بودائی را که در حین سرقت صدمه دیده و با قطعه پارچه‌های متفاوت به هم دوخته شده است را بررسی می‌کنیم. (محل نگهداری در موزه ملی توکیو). وقتی این ردای ویژه با طرح‌های گل‌افشانی شده را با سبک چینی به‌جا مانده از دوره مینگ مقایسه می‌کنیم، برای شناسایی هویت آن با مشکلی روبه‌رو نمی‌شویم. یکی از این رداها به شوگون کوگ تسو راهب فرقه رینزای تعلق داشت. (کانوتان یئو نقاش معروف، پرتره او را کشید). وی در سال ۱۶۱۰م. یکصدوپنجاه‌وششمین رئیس ریکوین (تابع یکی از معابد) در دایتوکوجی کیوتو شد و از سال فوت او در ۱۶۴۳م. این ردا در این معبد نگهداری می‌شود. به‌طور کلی جنس ردا از پارچه‌هایی بود که در معابد مجدداً مورد استفاده قرار می‌گرفت. شاید این نمونه، تاریخ دقیق تولید پارچه ابریشمی به کار رفته در ردا را به ما نشان دهد. با توجه به اینکه تاریخ تقریبی وفات کوگ تسو در حدود اواخر سال ۱۶۴۳م. اتفاق افتاده است، به نظر می‌رسد محدوده زمانی مزبور را می‌توان زمان تولید این ردای منحصربه‌فرد به حساب آورد.

بعد از کوگ تسو، راهب عالی‌رتبه بودایی به نام کوگن سوگتوس مالک این ردا شد که علاوه بر فعالیت در جشن چای، با زمین‌دار بزرگ و رئیس جشن چای، ارباب کشوری انشوئه (۱۶۴۷-۱۵۷۹م.) روابط دوستانه‌ای داشت. از اقدامات انشوئه آن بود که یک مجموعه و آلبوم از مجسمه‌ها و منسوجات شخصی‌اش ایجاد کرد. آلبوم شخصی او که در سال ۲۰۰۰م. منتشر شد، شامل حدود ۴۵۲ قطعه از آثار چینی‌الاصیل است. در این مجموعه تعداد معینی از منسوجات غیرچینی نیز وجود دارد و ممکن است یکی دو قطعه ایرانی یا هندی و یا هر دو در آن موجود باشند (Meibutsu-Gire, 2000: 16-31). اگر چه ما می‌دانیم که این مجموعه منتخب منسوجات متعلق به سال ۱۶۴۷م. برای مراسم چای بوده است که در طول نیمه اول قرن ۱۷ میلادی برگزار می‌شد، اما پیدا کردن منشأ اصلی این آثار بسیار مشکل است.

در حال حاضر این نوع آلبوم، نمونه‌ای از برش‌ها یا تکه‌تکه‌های مختلف منسوجات گران‌بها است که به یک آینه مرقع شباهت دارد. ابریشم‌های چینی وارداتی مانند دیگر منسوجات و اشیای خارجی بخش جدایی‌ناپذیر از مراسم چای در دوره ماروماچی بود که در اوایل قرن ۱۵ میلادی پایه‌گذاری شد و در آغاز مراسم برای تزئین و آراستن ظروف چای مورد استفاده

قرار می‌گرفت. این منسوجات وارداتی گران‌بها «پارچه‌های مخصوص» نامیده می‌شدند. تصور می‌کنم این عنوان از اواخر قرن ۱۷ میلادی به بعد مورد استفاده قرار گرفت. این منسوجات، اشیای ارزشمندی بودند که دادوستد می‌شدند و قطعات کوچک آن‌ها بسیار گران‌قیمت بود. طبق برخی شواهد، در برخی دوره‌ها این لباس‌ها را دور نمی‌انداختند و به دقت از آن‌ها نگهداری می‌کردند (تصویر شماره ۳). بعضی از این قطعات به صورت خاصی بریده شده است تا در آلبوم‌ها گنجانده شوند. یکی از موارد به‌جا مانده از منسوجات، برای لباس‌های شخصی جهت نشان دادن تفاوت بین قاب نقاشی و خطاطی و یا سبدهای خرید چای مورد استفاده قرار می‌گرفت. از آنجا که اربابان چای و کارشناسان هنری وظیفه انتخاب ظروف ارزشمند را برعهده داشتند، بعد از اتمام مراسم، از این پارچه‌ها و نمونه کتاب‌ها به دقت محافظت می‌کردند.

ابریشم‌ها بر اساس طرح، فن بافندگی و خاستگاه طبقه‌بندی شده‌اند (آلبوم موجود در موزه نارا). راه‌های انتخاب و طبقه‌بندی هر مجموعه شخصی معیاری برای زیبایی‌شناختی است و انتظار می‌رود که منشأ، زمینه تاریخی، کیفیت طبیعی و زیبایی قابل‌تحسین آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

آلبوم لباس

آلبوم لباس به یکی از مجموعه‌داران خصوصی در نارا^۱ تعلق دارد که به علت نداشتن جلد و صحافی، مشخص نمودن تاریخ تنظیم آن دشوار به نظر می‌رسد (تصویر شماره ۴). این مجموعه شامل ۳۲ دفتر یادداشت و ۶۳ صفحه در ابعاد ۲۰/۵ در ۱۹ سانتیمتر است. قطعاتی در صفحات اولیه وجود دارد که نشان می‌دهد در ادوار بعدی به آن چسبانده شده است.

به‌طورکلی شمار زیادی از این منسوجات، ساخت چین است و به قرن ۱۸ میلادی تعلق دارد، اما تاریخ و زمان تعدادی از پارچه‌ها و قلاب‌دوزی‌ها به اواخر قرن ۱۶ میلادی برمی‌گردد و طیف گسترده‌ای از فنون بافندگی و طراحی‌ها را نشان می‌دهد. این منسوجات خارجی که در ساخت آن‌ها الیاف طلایی و نقره‌ای نیز استفاده شده است، در ورق‌های مخصوص پیچیده شده‌اند و در ۸ صفحه (از ۳۲ تا ۳۹) به صورت خاص نگهداری می‌شوند. انواع فن‌ها در دو پارچه ابریشم گل‌دار و زربافت به کار رفته و یک لایه نمد زردوزی روی آن قرار گرفته است. از

۱. پایتخت قدیمی از سال ۷۸۴-۷۱۰م.

لحاظ فنی، بیشتر نمونه‌های مطالعاتی در این مقاله، ابریشم گل‌دار و پارچه‌های زربافت یا لباس‌های دو روبه با پودهای ابریشمی برجسته‌ای را در بر می‌گیرد که برای جلوگیری از آسیب، آن‌ها را در ورق‌های فلزی با نخ پیچیده‌اند. این منسوجات از ترکیب الیاف نقره‌ای بافته شده‌اند و اغلب در هسته اصلی طرح ابریشمی هستند. رنگ آن‌ها با توجه به الیافی که در بافت‌شان به کار رفته یا در پارچه‌هایی که پیچیده شده‌اند، تغییر کرده و طلایی متمایل به زرد یا نقره‌ای شده‌اند. نکته قابل توجه این است که آلبوم ذکر شده یکی از نمونه‌هایی است که انواع طراحی گل‌های متقارن را می‌توان در آن یافت (تصویر شماره ۵).

اصالت و تجزیه و تحلیل سبک

حالا مسئله قابل طرح دیگر، منشأ جغرافیایی این سبک‌ها است؛ همان‌گونه که قبلاً بحث شد، ارتباط یک قطعه از منسوجات با توضیحات خاص در منابع مکتوب از قبیل موارد ثبت شده در یادداشت‌های شرکت هند شرقی هلند حیرت‌آور است. باوجوداین، بسیاری از این قطعات به‌طور منطقی منتسب به ایران عصر صفوی هستند، زیرا نه تنها از لحاظ سبک و ویژگی‌ها، بلکه از جنبه‌های فنی نیز با دیگر آثار تفاوت دارند. بر همین اساس، سبک این گروه افشانه گل‌های نامتقارن می‌تواند با بعضی منسوجات ذکر شده در کتاب مهمت آقا اوغلو با عنوان: "فرش‌ها و منسوجات صفویه شامل مجموعه مرقد امام علی (ع) در نجف" که در سال ۱۹۴۱م. منتشر شد، مرتبط باشد. امضای روی لباس‌های شماره ۱۲ و ۱۳ نشان می‌دهد که بافنده و امضاءکننده با نام سیفی - عباسی بوده است. تزیینات دیگر را ابن کاتب‌الدین در تاریخ ۱۰۳۶ق. / ۱۶۲۷-۱۶۲۶م. امضاء کرده است. سرشناس‌ترین بافنده عصر صفوی استاد غیاث‌الدین علی نقشبند بود که در اواخر قرن ۱۶ میلادی می‌زیست (وفات حدود ۱۵۹۳م.). رابرت اسکلتون در مقاله‌ای که در باره غیاث‌الدین در سال ۲۰۰۰م. منتشر کرد، این ادعا را اثبات می‌کند. یکی از بستگان غیاث‌الدین به نام سیف‌الدین محمدی نقشبندی که به نظر می‌رسد بافنده خوش طبعی بوده است و نسبش به خاندان امام علی (ع) می‌رسد، از شاه صفی تقاضا نمود تا به وی اجازه داده شود در نجف اقامت گزیند. این احتمال وجود دارد که این سیف‌الدین بافنده سیفی - عباسی باشد (مجموعه دیوید در کپنهاگ: ش ۳۳/۱۹۹۵). نجف از سال ۱۶۲۳ تا ۱۶۳۹م. در دست صفویه بود و این سرعت پیشرفت طرح‌های منسوجات احتمالاً به دستور خاندان سلطنتی بوده است.

موقعی که آقا اوغلو در سال ۱۹۳۴م. از مرقد نجف بازدید کرد، این ابریشم با نام سیفی-عباسی، بخشی از پوشش مقبره بود که آن را با چندین پارچه پوشانده بودند. احتمالاً همه این پارچه‌ها به صورت ویژه با اهداف خاص از جمله برای پوشش مقبره و جایگاه مقدس با ابعاد و رنگ‌های از پیش تعیین شده ساخته شده‌اند (بهترین مثال مجموعه دیوید است). روش دیگر نشان می‌دهد که این منسوجات به هم دوخته شده مختص اعضای خاندان سلطنتی بود و آن را به‌عنوان هدیه تقدیم کرده‌اند. البته این نکته هنوز آشکار نیست که آیا این رویه در دوره صفویه وجود داشته است یا خیر؟

وقتی ما این‌گونه مثال‌ها را که به یک گروه از شاخه گل‌ها اختصاص دارند و با نمونه‌های موجود در کتابخانه یا مجموعه نقاشی‌های خانوادگی در کیوتو مقایسه می‌کنیم، با اختلافاتی بدیهی در ترکیب‌بندی مواجه می‌شویم؛ به این معنا که یک ردیف از آن گل‌ها از مضمون و ترکیب و شبکه‌های نوک‌تیز و دیگری از نظام متقارن با ویژگی‌های دیگر پیروی می‌کند. علاوه‌براین، در طراحی، ترکیب ظریفی به کار رفته که به صورت یک ساقه است و در سبک دیگر، دو قطعه ابریشم مشابه پوشش موجود در مرقد نجف وجود دارد. این نشان می‌دهد که یک گروه از گل‌های نوسان‌دار جایگزین این ردیف شده است. رئوس کلی در هر دو مثال نشان می‌دهد که هر دو طرح با مضمون و سبک مشترک خطی و دقت بالا اجراء شده است. این نشانه‌ها ما را به این سمت هدایت می‌کند که حدس بزنیم هر دو مورد می‌توانند به یک بافنده و کارگاه واحد ربط داشته باشند.

همچنین ما در قطعات دیگر از کتابخانه یامی می‌توانیم پارچه‌ای با طرح گل متقارن و ترکیب متوازن لباس دولایه بافته شده شناسایی کنیم. مشابه این آثار را می‌توان در یک دوره کامل از پارچه‌های ابریشمی مرتبط با دربار به‌ویژه کارگاه‌های دوره شاه‌عباس اول و در مجموعه منسوجات نجف که در بالا اشاره شد، پیدا کرد. به نظر می‌رسد که بافندگان یا تولیدکنندگان شمار محدودی از ابریشم‌های بافته شده، نهایت دقت و جدیدترین روش‌های فنی را برای تولید آن موارد گران‌بها به کار برده‌اند. این به آن معنا است که پارچه‌ها در کارگاه‌های نزدیک به دربار که امکانات مناسبی داشتند، تولید شده و یا به دستور خاندان سلطنتی در بعضی کارگاه‌های کاشان و اصفهان بافته شده‌اند.

برای نویسنده این سطور، پیش از این، امکان مطالعه و بررسی راجع به دیگر آثار مشابه نظیر ابریشم نجف فراهم شد، این پارچه با نقش و طرح مخروطمانند، نوک تیز و زمینه روشن در موزه هنر گویمت، قدیمی ترین آلبوم "انجمن مطالعات اسناد و منسوجات آسیایی"^۱ پاریس نگهداری می شود (تصویر شماره ۶). تصاویر این پارچه ها از نزدیک نشان می دهد که پولک ها دارای رنگی شفاف، روشن، قرمز، زرد و آبی فراوان، همچنین رنگ براق نقره ای هستند که با نخ کاموای درخشان دوردوزی شده است.

این شیوه نگارگری با گل های موج و رونده که به شکل قرینه ای با هم ترکیب شده اند، تقریباً کمیاب هستند و نمونه های کمی از آن ها در آلبوم های غربی وجود دارد. همان گونه که از مجموعه های مخصوص ادو روشن می شود، ظاهراً سبکی با طرح های ظریف و کوچک و بیشتر مورد علاقه ژاپنی ها برای شرکت در مراسم چای بوده است.

مسیر واردات ابریشم صفوی به ژاپن

این احتمال وجود دارد که ابتدا هلندی ها اقدام به انتقال مقدار زیادی از این پارچه ها به ژاپن کرده باشند، اما به نظر می رسد که هدفشان تجارت نبوده و بیشتر به عنوان هدیه های گران بها به رؤسا و فرماندهان تقدیم شده است. حتی اگر این فرض هم درست باشد، این سؤال باقی می ماند که آیا هلندی ها به طور مستقیم این اجناس را از ایران خریداری کرده اند؟ یا از تجار هندی یا بازرگانانی که از دیگر طرق مانند تایلند که از مراکز تجاری شرق آسیا بود، به دست آورده اند؟ دولت مغولان هند رابطه بسیار خوب و طولانی با صفویان داشت، از این رو می توانست واسطه این تجارت باشد. علاوه بر این، تجار ایرانی نیز در منطقه بسیار فعال بودند. طبقه حاکم در گولکندا (در هند) از منسوجات ابریشم و در هم آمیخته با مواد نفیس بهره زیادی می بردند. در تمثال آخرین حاکم، اکبر شاه حسینی در مجموعه دیوید، یک تصویر خوب از منسوجات گران بهای مربوط به اواخر قرن ۱۷م. دیده می شود (مجموعه دیوید: شماره ۱۹۷۹/۶۸). با این وجود، همچنان شناسایی منشأ اصلی تنها از روی تصویر یا تشخیص محل تولید آن که در دربار مغولان هند یا صفویان ایران بوده، برای ما غیرممکن است.

¹. Association pour l'Etude et la Documentation des Textiles d'Asie

متأسفانه دفاتر حساب و یادداشت شرکت هلندی در هیرادو نیز برای شناسایی منشأ تولید و حمل آن کمکی به ما نمی‌کند. از این جهت، با اطمینان نمی‌توانیم بگوییم که این منسوجات برای مجموعه بزرگان ژاپنی و شرکت‌کنندگان در مراسم چای به صورت اختصاصی سفارش داده شده است یا از طرف نمایندگان شرکت هلندی در ایران، باتاویا یا هند انتخاب و به ژاپن حمل شده‌اند. آن‌ها همچنین می‌توانستند آن را از تجار ایرانی، هندی و یا دیگر افراد دربار مغولان و شاهان دکن، یا افراد مشتاق به تجارت در پادشاهی تایلند خریداری کرده باشند. تجار چینی نیز با شرکت هلندی در تجارت با ژاپن رقابت داشتند. ما در یکی از نامه‌های یومئی در کیوتو، مَه‌ری در این رابطه پیدا کردیم؛ متأسفانه اصالت آن به‌وضوح قابل تشخیص نیست، اما می‌توان حدس زد که شبیه به مَه‌رهای چینی است.

در مورد پارچه‌های سفید چینی یا منسوجات رنگی ساخت هند، مشخص است که برخی از این منسوجات به سفارش مقامات ژاپنی تولید شده‌اند. ژاپنی‌ها خواهان این مدل پارچه‌ها و طرح‌ها بودند و هلندی‌ها نیز سفارش تولید می‌دادند. بنابراین تا زمانی که این پارچه‌ها و لباس‌های سفید ارزش تجاری داشتند، به مقدار زیادی در کوتاه‌مدت با کیفیت و طراحی متنوع تولید و تجارت می‌شدند (Hans, 1975: 206) و برای ماه‌ها و سال‌ها این نوع پارچه سفارشی بافته می‌شد. به گفته ویلم فلور، در آرشیو شرکت هلندی گزارشی با نام «پارچه‌های ابریشمی» مربوط به سال ۱۷۱۳م. وجود دارد که در اندازه‌ها و الگوهای مختلف طراحی شده‌اند و مقصد تحویل آن‌ها در امپراتوری ژاپن بوده است؛ زیرا در بازار آنجا این‌گونه منسوجات یافت نمی‌شد. در مقابل پارچه‌های طلایی و نقره‌ای برای شاه سیام بود که به سفارش او سالانه تولید می‌شد. برای هر مدل از این پارچه‌ها، تولیدکنندگان مجبور به نصب دستگاه جداگانه بافندگی می‌شدند؛ بنابراین گران‌قیمت و هزینه‌بر بود.

مفهوم کلمه مورو

بعد از ورود منسوجات طلا و نقره‌کوب به ژاپن، صرف‌نظر از اینکه تولید مغولان هند و یا صفویان ایران باشد، آن‌ها در ورق‌های مخصوص پیچیده و در منسوجات معروف به «مورو» دسته‌بندی می‌شد. در اواسط قرن ۱۷ میلادی کلمه مورو به‌طور کلی به حکام هندی یا همان مغولان هند اطلاق می‌شد. اما طبق پژوهش هیروشی ناگاشیما که در سال ۱۹۸۶م. منتشر

شد، مورو در سال ۱۶۷۲م. به صورت رسمی در ناگاساکی ترجمه شده و در زبان اصلی به معنای بازرگانان ایرانی به کار رفته است (Naghashima, 1988: 68-133).

در دایره‌المعارف ژاپن نیز که در سال ۱۷۱۲م. منتشر شد، مورو به معنای هند به کار رفته است. در جلد ۱۴، فصلی به توصیف مردم و سرزمین‌های گوناگون به نام هاروشیا اختصاص یافته است و در توضیح آن می‌نویسد: مردم هاروشیا کسانی هستند که لباس‌های طلاکوب می‌پوشند و ذکر شده که خودشان نخ‌های معروف هاروشیا را تولید می‌کردند و با آن فرش‌های طلایی می‌بافتند. بنابراین استفاده بسیار از کلمه مورو در منسوجات، بیانگر طرح سؤالات پیچیده زیادی است.

در کتاب کامل (دایره‌المعارف هزار گنج) منتشره در سال ۱۶۹۳م. در جلد ۱۳ کلمه مورو در موارد متعدد به کار رفته است. در جلد ۸ ویرایش مجدد سال ۱۷۷۰م. مورو ۶۵ نوع بافندگی را در بر می‌گیرد. در فصل ۲۹ در مدخل ۵، مورو زیر عنوان "مورو هاروشیا" آمده است. به همین علت در مدخل "مورو- پرشیا" نویسنده به وضوح می‌گوید که مورو همان پرشیا (ایران) است. در مداخل مربوط به "مورو طلایی" و "مورو نقره‌ای" نیز این مطلب برای بافندگی به کار رفته است. با آنکه مورو را می‌توان برای نوع خاصی از بافندگی به کار برد، اما به نظر می‌رسد دیگر پژوهش‌ها، تفاوت بین مورو که هند یا ایران است را نادیده گرفته‌اند. محققان ژاپنی دغدغه خاصی در رابطه با محل تولید این نوع منسوجات در روند ارزیابی پژوهش‌ها نداشته‌اند و بیشتر ارزش زیبایی‌شناسی و هماهنگی و رعایت استانداردهای بافندگی مورد توجه آن‌ها بوده است. امروزه اصطلاح مورو برای همه منسوجات خارجی پیچیده شده در ورق‌های طلایی و نقره‌ای به کار می‌رود.

نتیجه

منسوجات گران‌بهای مربوط به عصر صفوی، نقش نسبتاً محدودی در توسعه هنر ژاپن و مراسم جشن چای داشته است. با این وجود، ما شاهد هستیم که پارچه‌های متعلق به صفوی در قرن ۱۷ میلادی که در حال حاضر در ژاپن نگهداری می‌شوند، به عنوان یک مجموعه ارزشمند از لحاظ فنی، پیچیدگی بافندگی و تنوع طرح‌ها ارزش مطالعه و بررسی را دارند. تعداد زیادی از این مثال‌ها با نام "مرفع" وجود دارد که شواهد روشنی از تجارت ایرانیان در آسیا در طول قرن ۱۷ میلادی است و نشان می‌دهد که چگونه آن‌ها جذب محیط شرق شده و مورد تمجید جامعه هنری ژاپن قرار گرفته‌اند.

منابع و مآخذ

- Floor, Willem, (1999), *The Persian Textile Industry in Historical Perspective 1500-1925*, Harmattan.
- Hans, Wulf.E, (1975), *The Traditional Craft of Persia*, the M.I.T.press, Cambridge, Massachuset.
- Meibutsu-Gire, (2000), *Special Volume of Tanko*, No.35.
- Naghashima, Hiroshi, (1986), "On the Mouru language in Yakushi-Chaton-Wa" (article in Japanese), Nagasaki Kenritsu Kokusi Keizai Daigaku Ronju, Vol.19-4.
- Neumann, R & G.Muzra, (1988), *Persische Seiden: Die Gewerbekunst der Safawiden und Ihrer Nachfolger*, Leipzig, VEB E.A. Seemann, Buch-und Kunstverlage.
- Oglu, M.Agha, (1941), *Safawid Rugs and Textile: The Collection of the Shrine of Imam Ali at Al-Najaf*, New York, Colombia University press.
- The David Collection in Copenhagen*, (1993), Cat No 7, 8, 12, 33, 68.
- Yoshida, Masako, (2009), "The Embroidered Velvet Jinbaro Jacket Purportedly Owned by Toyotomi Hideyoshi", *Bijutsushi (Art History)*, Vol.59